

استقامت و جهاد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ
 الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ
 الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ

سوره فصلت، آیه ۳۰

به نام خدای بخشاینده مهربان

به یقین کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداوند یگانه است!» سپس استقامت کردند، فرشتگان بر آنان نازل می شوند که: «نترسید و غمگین مباشید، و بشارت باد بر شما به آن بهشتی که به شما وعده داده شده است!

اسْتَقَامُوا:	تَتَنَزَّلُ	تُوعَدُونَ
استقامت کردند	نازل می شوند	به شما وعده داده شده
تَخَافُوا	لَا تَحْزَنُوا	أَبْشِرُوا
نترسید	غمگین نباشید	بشارت باد بر شما

نمای درس

استقامت در قرآن به چه معناست؟ استقامت رسول خدا ﷺ چگونه بوده است؟ حالات مختلف استقامت و ایستادگی به چه صورت است؟ هدف از جهاد و استقامت چیست؟

استقامت یعنی ایستادگی، مداومت و پایداری است. منظور از استقامت در قرآن، پایداری در دین و مسیر حق در برابر نادرستی هاست.

انسان‌ها در زندگی دو دسته هستند؛ بی‌هدف و هدف‌دار؛

آدم بی‌هدف دلیل زندگی را نمی‌فهمد؛ او هر روز در یک مسیر حرکت می‌کند؛ هربار که با سختی‌ها روبرو می‌شود راهش را عوض کرده و به دنبال هدفی دیگر می‌رود. او در تمام عمرش بدون اینکه بداند برای چه چیزی و چرا زندگی می‌کند، سرگردان است و با تقلید کورکورانه از دیگران به زندگی ادامه می‌دهد؛

اما **آدم هدف‌دار** اهل تفکر است؛ انسان هدف‌دار می‌فهمد که خداوند بیهوده او را نیافریده است؛ از این رو برای رسیدن به مقصد تلاش و در این راه با سختی‌ها مبارزه کرده و ایستادگی می‌کند. ممکن است در راه رسیدن به هدف توسط انسان‌های بی‌شخصیت مسخره شود یا دشمنانی پیدا کند؛ با این حال با تمام توان به راهش ادامه داده و متوقف نمی‌شود و از تمسخر و دشمنی دیگران نمی‌ترسد.^۱

خداوند فرموده کسانی که در دین‌داری پایدار باشند و در برابر سختی‌ها استقامت کنند؛ فرشتگان بر این افراد نازل شده و به آن می‌گویند: «نترسید و غمگین نباشید» و سپس به آن‌ها بشارت بهشت می‌دهند.



۱. وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ (مائده ۵۴).

چند نکته را می‌توانیم از این آیه یاد بگیریم:

- شرط ایمان استقامت است؛ و إلا مؤمنان زیادی بودند که از راه حق بریده و بد عاقبت شدند.
- استقامتی ارزشمند است طولانی باشد.^۱
- انسان در اثر ایمان و مقاومت، فرشتگان را به خود جلب می‌کند؛ حتما نیاز نیست پیامبر باشیم تا فرشتگان بر ما نازل شوند. البته گناه نیز باعث جلب شیطان می‌شود.^۲
- نتیجه مقاومت در راه حق از بین رفتن ترس از آینده و برطرف شدن حزن و اندوه نسبت به گذشته و رسیدن به آرامش روحی و روانی است.

استقامت پیامبر

سیره زندگی پیامبر سرشار از استقامت و پایداری بود. بیشتر مردم مکه بت پرست بودند؛ حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز در مکه زندگی می‌کرد ولی هیچ‌وقت هیچ بتی را نپرستید و همیشه یکتاپرست بود؛ تا اینکه خداوند به او ماموریت بزرگی داد؛ حضرت باید مردم را از تاریکی بت پرستی به نور خداپرستی دعوت کند؛ هدف و مقصد مشخص شده بود، پس به سوی مردم رفت و آن‌ها را به این کار بزرگ دعوت کرد. عده‌ای از مردم گفتند: «این بت‌ها خدای پدران و پدر بزرگ‌های ما هستند؛ ما نمی‌توانیم آن‌ها را ترک کنیم و خدای تو را بپرستیم؛ چگونه ۳۶۰ خدا را رها کرده و یک خدا را بپرستیم؛ تو دیوانه شده‌ای».^۳

آن‌ها پیامبر را به شدت اذیت می‌کردند؛ یک روز که رسول خدا در کنار خانه خدا



۱. کلمه «ثُمَّ» در ثَمَّ اسْتَقَامُوا برای زمان و فاصله‌های دور است.

۲. هَلْ أُنَبِّئُكُمْ عَلَىٰ مَنْ نَزَّلَ الشَّيَاطِينُ؛ تَنْزِيلٌ عَلَىٰ كُلِّ آفَاكٍ أَتِيْمٍ، آیات ۲۲۱ و ۲۲۲ سوره شعراء.

۳. تفسیر نمونه، دارالکتب‌الامیه، ج ۱۹، ص ۲۱۴.

مشغول نماز بود، یکی از آن‌ها شکمبه گوسفندی را روی سرش خالی و سرتاپای او را کثیف کرد؛ همه شروع به خندیدن و تمسخر فرستاده خدا کردند؛^۱ با این حال حضرت دست از هدف خود که هدایت مردم بود بر نمی‌داشت. هر روز تعداد بیشتری از جوانان مکه با شنیدن سخنان زیبای پیامبر به او ایمان می‌آوردند. بت پرستان وقتی معجزه‌ها و صحبت‌های منطقی حضرت را می‌شنیدند، برای آنکه به او ایمان نیاورند می‌گفتند: «محمد جادوگر است؛ او با جادو، کاری می‌کند که مردم حرف‌هایش را قبول کنند».^۲

بت پرستان می‌دانستند با مسلمان شدن مردم، کسب و کار و تجارت و بزرگی آن‌ها آسیب می‌بیند؛ به همین دلیل از پیامبر و هدف او می‌ترسیدند؛ از این رو برای او نقشه‌ها می‌کشیدند؛ در یکی از روزها به نزد پیامبر رفته و گفتند: «ای محمد! اگر دست از این کار بکشی، آنقدر به تو مال و ثروت می‌دهیم که تبدیل به ثروتمندترین مرد مکه بشوی و حتی تو را رئیس خودمان می‌کنیم»؛ اما حضرت که در هدف خود مصمم بود پاسخ داد: «اگر خورشید را در دست راست و ماه را در دست چپ من قرار بدهید، هرگز چنین نخواهم کرد».^۳

مشرکان، پیامبر و دیگر مسلمانان را سه سال محاصره اقتصادی کردند؛ در این سه سال هیچکس اجازه نداشت به یاران محمد ﷺ غذا و لباس بفروشد یا چیزی از آن‌ها بخرد؛ مسلمانان در این سه سال خیلی سختی کشیدند؛ بعضی شب‌ها بچه‌ها از شدت گرسنگی فریاد زده و گریه می‌کردند؛ اما با این حال آن‌ها هدف و مقصد خود را انتخاب کرده بودند و دست از پرستش خدای یکتا نکشیدند.^۴



۱. صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۴۲-۱۴۱۸.

۲. سوره ص، آیه ۴.

۳. تفسیر اهل بیت ﷺ، ج ۱۳، ص ۱۴؛ بحار الأنوار، ج ۱۸، ص ۱۸۲.

۴. أعيان الشيعة، ج ۱، ص ۲۳۰.

بت پرستان وقتی دیدند حضرت به هیچ وجه دست از ماموریت خود نمی‌کشد و با آزار و اذیت و پول و ثروت سست نمی‌شود، تصمیم به قتل او گرفتند؛ ولی به خواست خدا جبرئیل (فرشته وحی) نقشه آن‌ها را برای حضرت فاش کرد؛ پیامبر شبانه به مدینه مهاجرت کرد و نقشه بت پرستان ناکام ماند؛^۱ بت پرستان سال‌ها با پیغمبر و یارانش جنگیدند و آن‌ها را به شدت آزار دادند؛ ولی سرانجام حضرت محمد ﷺ پیروز و مردم سراسر عربستان مسلمان شدند.^۲



۱. السيرة الحلبية، ج ۲، ص ۳۲.
۲. برگرفته از کتاب یک آدم بیست، ص ۱۶-۱۰.



أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ
الْجَنَّةِ فَتَحَهُ اللَّهُ لِخَاصَّةِ أَوْلِيَائِهِ وَهُوَ
لِبَاسُ التَّقْوَى وَدِرْعُ اللَّهِ الْحَصِينَةُ وَ
جُنَّتُهُ الْوَثِيقَةُ.

اما بعد (از حمد و ثنای الهی بدانید) جهاد دری
از درهای بهشت است که خداوند آن را به روی
دوستان (خاص خود) گشوده است، و آن لباس
تقوی، زره محکم خداوند و سپر مطمئن او است.

ایستادگی و استقامت در زمان‌ها و مکان‌های مختلف اشکال مختلفی دارد:

- گاهی با سکوت است و گاهی با فریاد زدن.
- گاهی با جهاد و مبارزه و گاهی با صلح و دست کشیدن از جنگ.
- گاهی با پول خرج کردن و گاهی با پول ذخیره کردن.
- ی با تحمل گرسنگی و تشنگی و گاهی با خرید غذا برای مستمندان.
- بعضی اوقات با درس خواندن و مطالعه و گاهی با کار و تلاش.
- اهی با شب بیداری است و گاهی با سحرگاہی.

ما باید با پیروی از اولیای خداوند یعنی امام زمان و یا جانشینان ایشان (مراجع تقلید و ولی فقیه) و با به کارگیری عقل و تفکر، تکلیف خود را در ایستادگی و جهاد و تلاش در راه خدا، تشخیص داده و بهترین اتفاق را رقم بزنیم.

جهاد و ایستادگی، باعث عزت و سربلندی انسان و رمز عظمت و سربلندی ملت‌هاست. هر موجود زنده‌ای، تا زمانی به زندگی خود ادامه می‌دهد که مشغول جهاد و ایستادگی در برابر دشمنان باشد و آن روز که جهاد را رها کند، مرگ او آغاز می‌شود. بدن انسان هم همین‌طور است؛ تا زمانی که با دشمنان خارجی یعنی ویروس‌ها و میکروب‌ها مبارزه کرده و در مقابل آن‌ها ایستادگی کند، هرچند سختی می‌کشد ولی زنده است؛ اما



پرتویی از قرآن ناطق

خطبه ۲۷

آن موقع که دست از مبارزه بکشد و آن‌ها را به حال خود رها کند، بدن عفونت کرده و انسان می‌میرد.

ترک جهاد و عدم ایستادگی در برابر دشمنان، تاثیرات منفی فراوانی برای مسلمانان دارد. امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «هر کس از روی بی‌اعتنائی (نه به خاطر عذر) جهاد را ترک کند:

- ذلیل و خوار می‌شود؛
- لاها از هر سو او را محاصره می‌کنند؛
- حقیر و پست می‌شود؛
- عقل و فهمش فاسد و هدر می‌رود و در راه نابودی پیش می‌رود؛
- عدالت در جامعه از بین می‌رود.



اللَّهُمَّ وَ أَيْمًا غَازِ غَزَاهُمْ مِنْ أَهْلِ مِلَّتِكَ، أَوْ مُجَاهِدٍ جَاهَدَهُمْ مِنْ أَتْبَاعِ سُنَّتِكَ لِيَكُونَ دِينُكَ الْأَعْلَى وَ حِزْبُكَ الْأَقْوَى وَ حِطُّكَ الْأَوْفَى فَلَقِيهِ الْيَسْرَ، وَ هَيَّئْ لَهُ الْأَمْرَ، وَ تَوَلَّهُ بِالنُّجْحِ، وَ تَخَيَّرْ لَهُ الْأَصْحَابَ، وَ اسْتَقْوِ لَهُ الظَّهْرَ، وَ أَسْبِغْ عَلَيْهِ فِي النَّفَقَةِ، وَ مَتِّعْهُ بِالنَّشَاطِ، وَ أَطْفِ عَنهُ حَرَارَةَ الشَّقْوِ، وَ أَجِرْهُ مِنْ غَمِّ الْوَحْشَةِ، وَ أَنْسِهِ ذِكْرَ الْأَهْلِ وَ الْوَالِدِ.

خداوندا و هر رزمنده‌ای از اهل دینت که با آنها بجنگد و هر مجاهدی از پیروان سنت تو که با ایشان جهاد نماید تا دین تو برتر و حزب تو قوی‌تر و بهره‌تر کامل‌تر گردد، پس او را با آسانی روبرو کن و کارش را اصلاح نما و پیروزی را برای او به عهده گیر و برای او یارانی برگزین و پشت او را قوی ساز و درآمدش را وسعت ده و از نشاط بهره‌مند فرما و گرمی آرزو را از او فرو نشان و او را از اندوه تنهایی حفظ کن و یاد خانواده و فرزند را فراموشش ساز.

در جهاد و مبارزه باید به چند نکته توجه کرد:

- هدف مبارزه و جهاد و ایستادگی در راه خدا باید پیروزی و برتری دین و حزب خدا و گروه مومنان باشد نه منافع شخصی و قومی قبیله‌ای.

شهید راه الاغ

در یکی از جنگ‌های پیامبر، یکی از کافران در لشکر دشمنان سوار الاغ سفید زیبایی بود. یکی از مسلمانان تا چشمش به این الاغ زیبا افتاد، خوشش آمد و گفت: «می‌روم و این کافر را می‌کشم و الاغش را برای خود بر می‌دارم» و با این نیت حرکت کرد، اما از بخت بدش تا خواست حمله کند، آن کافر پیش دستی کرد و مسلمان را کشت!

بعد از جنگ، مسلمانان وقتی به جنازه او رسیدند گفتند: «خوش به حالش که در راه خدا به درجه رفیع شهادت رسید».

پیامبر که از نیت آن مسلمان کشته شده خبر داشت به آن‌ها فرمود: «نیت آن مرد کشتن



پرتوی از قرآن ماعد

نیایش ۲۷

کافر و تصاحب الاغش بود، نه جهاد در راه خدا؛ او هم اکنون در جهنم است. بعد از این ماجرا آن مسلمان بخت برگشته به «قتیل الحمار» یعنی «شهید راه الاغ» معروف شد.^۱

• خداوند متعال در صورتی که نیت مسلمانان خالصانه باشد، کار را برای مجاهدان آسان می‌کند و مشکلات را برطرف می‌کند.

• خداوند پیروزی مجاهد را تضمین می‌کند؛ البته این پیروزی گاهی ظاهری و گاهی باطنی است. به قول شهید ابراهیم همت: «اگر همه چیزمان برای خدا باشد، چه بکشیم چه کشته شویم پیروزیم!» امام حسین علیه السلام در کربلا به بدترین شکل ممکن شهید شد و ظاهراً شکست خورد، ولی چون هدف و نیتش خالصانه و برای خدا بود، بعد از ۱۴۰۰ سال یاد و نام او به بهترین شکل ممکن باقی ماند، اما نامی از بزرگی و قدرت دیگر دشمنانش باقی نماند. پس نتیجه کار برای خدا پیروزی است.

• اگر هدف خدا باشد و در این راه استقامت کند، خداوند یاران خوبی برای یاری اش می‌رستد.

• خداوند از او پشتیبانی می‌کند و به زندگی ما برکت و نشاط می‌دهد.

• غم وحشت تنهایی را از دلش دور می‌کند.

• سختی دوری از خانواده و عزیزان را برایش آسان می‌کند.

• خداوند به او عافیت و سلامتی و تندرستی می‌دهد.

• قدرت و قدرتش افزایش یافته و ترس و سستی از او دور می‌شود.

• در تصمیم‌گیری درست و کشیدن نقشه به او کمک می‌کند.

۱. جامع السعادات، ج ۳، ص ۸۹.

تدبّر کنیم

فرمانی دشوارتر از آن است که «فَاسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ»؛ س همان گونه که فرمان یافتی استقامت کن، همچنان کسانی که با تو بسوی خدا آمده‌اند و طغیان نکنید که خداوند به آنچه انجام می‌دهید بیناست» (هود، ۱۱۲) بر پیامبر خدا نازل نشده است. وقتی این آیه نازل شد، حضرت فرمود: «شَمِرُوا، شَمِرُوا/ آستینها را بالا بزنید، آماده استقامت شوید» و دیگر کسی آن حضرت را خدا ندید.^۱ مسأله استقامت خمیه مایه همه کارهای مثبت، و پایه اصلی هرگونه اطاعت و ترک معصیت است، بنابراین جای تعجب نیست که یکی از اسباب مهم ورود در بهشت شمرده شود، و به هنگام ورود در بهشت فرشتگان به آن خوشامد می‌گویند: خوشامدی که دلیل عظمت مقام صابران است، می‌گویند: «درود بر شما! به خاطر صبر و استقامتی که داشتید»، **سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِأَصْبَرْتُمْ** (رعد ۲۴).

در بعضی دیگر از آیات قرآن روی مسأله استقامت (ثبات بر جاده مستقیم) در طریق امان و اطاعت حق تکیه شده است، چنانکه در آیات ۱۳ و ۱۴ احقاف می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»؛ «کسانی که گفتند پروردگار ما الله است استقامت به خرج دادند نه ترسی بر آنهاست و نه غمی - آنها اصحاب بهشتند، و جاودانه در آن می‌مانند، این پاداش اعمالی است که انجام می‌دادند».^۲

در مفهوم استقامت هم معنای صاف بودن طریق افتاده است و هم پایداری و مقاومت، و بنابراین از اموری که سبب ورود در کانون لطف خدا یعنی بهشت می‌شود علاوه بر ایمان تداوم خط و راه صیح و مستقیم است.



۱. الدر المنثور، ج ۳، ص ۳۵۱.

۲. آیات ۳۰ و ۳۱ سوره فصلت نیز همین معنی را می‌رساند.

نکته ترجمه

۱. در قرآن برخی کلمه ها با هم ادغام می شوند هر چند در ظاهر یک کلمه اند؛ مانند آلا در آیه شریفه «تَنْزِيلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا» که در اصل (أَنْ + لای نفی یا نهی) بوده است.

۲. در آیات قرآن خداوند حکیم برخی کلمات را به خاطر واضح بودن و اختصار گوئی حذف کرده است؛ اما در ترجمه لازم است برا روان شدن آنها ترجمه شوند به شرط اینکه داخل پرانتز گذاشته شوند.

بنابراین ترجمه درست آیه چنین می شود:
«فرشتگان بر آنان نازل می شوند [و می گویند:] که مترسید و اندوهگین مباشید»

پرسش و تمرین

واژگان زیر را ترجمه کنید.

تُوَعِدُونَ	تَنْزِيلُ	اسْتَقَامُوا
أَبَشِرُوا	لَا تَحْزَنُوا	لَا تَخَافُوا

عبارت زیر را ترجمه کنید.

واژگان	تَخَافُوا	لَا تَحْزَنُوا	وَأَبَشِرُوا	بِالْجَنَّةِ	كُنْتُمْ	تُوَعِدُونَ
تحت اللفظی						
ترجمه روان						

ج بر اساس محتوای درس به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

۱. تفاوت انسان هدف‌دار در زندگی و بی‌هدف را شرح دهید.....

۲. چهار نمونه از اشکال مختلف ایستادگی را بیان کنید.....

۳. با توجه به فرمایش امام علی علیه السلام آثار ترک جهاد را بنویسید.....

کارخواست

با توجه به آیات ۲۴۹ تا ۲۵۱ سوره بقره داستان جالوت و طالوت را مطالعه کرده و موارد استقامت مؤمنان را گزارش دهید.

